

بررسی نقش دولت الکترونیک در ایجاد توسعه پایدار

دکتر سید مجتبی سجادی^۱، مارال عباسی راد^۲، رها معظمی گودرزی^۳

چکیده :

دولت الکترونیکی (EGOV) ، به دنبال استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور بهبود فرآیندهای حکومتی می باشد. توسعه پایدار (SD) به مطالعات تحقیقاتی راه توسعه می پردازد، به گونه ای که ارضای نیازهای نسل حاضر بدون به مخاطره انداختن توانایی نسل های آینده برای رفع نیازهایشان صورت پذیرد. با وجود پیشرفت های قابل توجهی در پیشبرد هر دو حوزه به طور مستقل، تحقیقات کمی در تقاطع این دو حوزه ارزشمند یعنی دولت الکترونیک و توسعه پایدار وجود دارد و همچنین نحوه استفاده از حکومت الکترونیک (EGOV) در حمایت از توسعه پایدار (SD) به ندرت شرح داده شده است.

رشد فزاینده، جمعیت جهان را از ۱٫۶۵ میلیارد در سال ۱۹۰۰ به بیش از ۷٫۳۲ میلیارد در سال ۲۰۱۵ رسانده است. در طول این مدت ما شاهد عواقب شدید زیست محیطی با انتخاب مسیرهای توسعه ای که منجر به ایجاد آلودگی هوا و آب، تخریب اکوسیستم ها، انقراض حیات وحش و دیگر شکل های تخریب محیط زیست ، بوده ایم. پیشرفت ناهموار بین ملت ها، حاکی از این است که برخی از کشورها در کسب ثروت مادی پیشرفت قابل توجهی به دست آورده در حالی که دیگر کشورها رو به بدتر شدن فقر و نومیدی در فضای اجتماعی خود می باشند. هر دو مشکلات (تخریب زیست محیطی و توسعه ناهموار) باعث ایجاد مفهوم توسعه پایدار می گردند. گزارشات جهانی اقدامات فوری با تمرکز بر جمعیت و منابع انسانی، صنعت، امنیت غذایی، گونه ها و اکوسیستم ها، چالش های شهری، مدیریت مشترک، انرژی، جنگ و تخریب محیط زیست را توصیه می کند. این گزارشات نشان می

^۱ - هیئت علمی دانشگاه تهران، دانشکده کارآفرینی، ۰۲۱۶۱۱۱۹۲۲۶ ، msajadi@ut.ac.ir

^۲ - دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، ۰۲۱۴۴۴۷۷۴ ، ۰۹۱۲۴۴۶۹۶۸۳۹
maralabbasirad@ut.ac.ir

^۳ - دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت کارآفرینی، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، ۴۴۴۶۶۸۱ ، ۰۹۱۰۴۹۲۲۹۹۸ ،
rahamoazami@ut.ac.ir

دهد که ارتباط بین توسعه و حاکمیت اقتصادی و یا سیاسی از طریق حاکمیت شایسته برقرار می شود که این حاکمیت دارای چارچوب سیاستگذاری برای فقرا، مدیریت عمومی و اصلاحات خدمات دولتی، و عدم تمرکز و ارائه خدمات می باشد

در این مقاله چارچوب مفهومی در جهت بررسی تقاطع حکومت الکترونیک و توسعه پایدار (EGOV4SD) ارائه می گردد و به ارزیابی چارچوب پیشنهادی پرداخته می شود، سهم اصلی این مقاله در جهت توجه اندیشمندان و بنیاد نهادهایی برای تحقیقات در حوزه (EGOV4SD) به خصوص در سطح کشور می باشد.

کلمات کلیدی: حکومت الکترونیک، توسعه پایدار، سیاستگذاری دولتی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، فرآیندهای حکومتی

مقدمه:

حکومت الکترونیکی (EGOV)، به دنبال استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور بهبود فرآیندهای حکومتی می باشد. توسعه پایدار (SD) به مطالعات تحقیقاتی راه توسعه می پردازد، به گونه ای که ارضای نیازهای نسل حاضر بدون به مخاطره انداختن توانایی نسل های آینده برای رفع نیازهایشان صورت بپذیرد. با وجود پیشرفت های قابل توجهی در پیشبرد هر دو حوزه به طور مستقل، تحقیقات کمی در تقاطع این دو حوزه ارزشمند یعنی دولت الکترونیک و توسعه پایدار وجود دارد و همچنین نحوه استفاده از دولت الکترونیک EGOV در حمایت از توسعه پایدار SD به ندرت شرح داده شده است. ما این تقاطع حکومت الکترونیکی برای توسعه پایدار را (EGOV4SD) می نامیم. این مقاله: (۱) یک چارچوب مفهومی برای EGOV4SD را پیشنهاد می کند، (۲) چارچوب ارزیابی پژوهش EGOV4SD پیشنهاد می شود و (۳) هر دو چارچوب برای تعیین وضعیت پژوهش های EGOV4SD اعمال می شود. سهم اصلی این مقاله ترغیب تاسیس یک بنیاد برای تحقیقات EGOV4SD می باشد.

قرن بیستم از ۱۶۶۵ میلیارد در سال ۱۹۰۰ شاهد افزایش فوق العاده ای در جمعیت جهان به ۶،۷۹ میلیارد در سال ۲۰۱۰ بوده است (گروه آموزشی سازمان ملل متحد، امور اقتصادی و اجتماعی بخش جمعیت، ۲۰۰۶) و رشد نمایی در توسعه نشان دهنده افزایش تولیدات صنعتی با ضریب ۴۰، انرژی استفاده شده با ضریب ۱۶، و کربن و دی اکسید گوگرد حاصل از تولید گازهای گلخانه ای با ضریب ۱۰ بوده است (داسگوپتا، ۲۰۰۷). در طول این مدت ما شاهد عواقب شدید زیست محیطی با انتخاب مسیرهای توسعه ای که منجر به ایجاد آلودگی هوا و آب، تخریب اکوسیستم ها، انقراض حیات وحش و دیگر شکل های تخریب محیط زیست بوده است، مواجه شدیم، و پیشرفت ناهموار بین ملت ها، حاکی از این است که برخی از کشورها در کسب ثروت مادی پیشرفت قابل توجهی به دست آورده در حالی که دیگر کشورها رو به بدتر شدن فقر و نومییدی در فضای اجتماعی خود می باشند (کمپ، پرتو، و گیسون، ۲۰۰۵).

هر دو مشکلات (تخریب زیست محیطی و توسعه ناهموار) باعث ایجاد مفهوم توسعه پایدار می گردند (کمپ و همکاران، ۲۰۰۵). با توجه به گزارش براندتلند، توسعه پایدار (SD) توسعه ایست که موجب ارضا نیازهای انسانی بدون به مخاطره انداختن توانایی های

نسل آینده برای رفع نیازهایشان می شود (کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، ۱۹۸۷). گزارشات جهانی اقدامات فوری در راستای توجه به تمرکز بر جمعیت و منابع انسانی، صنعت، امنیت غذایی، گونه ها و اکوسیستم ها، چالش های شهری، مدیریت مشترک، انرژی، جنگ و تخریب محیط زیست را توصیه می کند.

نکته ای که کنفرانس سازمان ملل در خصوص محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۹۲ مورد توجه بسیاری قرار داد: تولید، وعوامل مرتبط دیگر با تولید بود و به عنوان برنامه عملکرد جهانی به نام دستور جلسه ۲۱ نام گرفت (برنامه سازمان ملل متحد همایش ریو، ۱۹۹۲) و ۲۷ اصول محیط زیست و توسعه به عنوان بخشی از اعلامیه ریو تدوین شد (کنفرانس سازمان ملل متحد محیط زیست و توسعه، ۱۹۹۲). دیگر اجلاس های بین المللی نیز پیرو این امر بودند. اخیراً، دولتها تعهد خود را به اجرای دستور جلسه ۲۱ و اعلامیه ریو بار دیگر ملزم کردند. پس از چنین تعهداتی، بسیاری از کشورها در سراسر جهان فرمول استراتژی توسعه پایدار (SD) و ایجاد ساختارهایی برای تسهیل اجرای آنها را پیش گرفتند. با این حال، اجرای با چالش های مختلف، از پیچیدگی ذاتی مشکلات توسعه پایدار (SD) است، که این چالش ها در موضوعاتی مانند: تاثیر بحران های چند جانبه موثر بر جهان، چالش های خاص محلی کشورهای آفریقایی، کشورهای کمتر توسعه یافته، کشورهای در حال توسعه و کشورهای جزیره ای در حال توسعه کوچک بیشتر نمود پیدا می کنند. (سازمان ملل متحد موثر بر، ۲۰۱۲).

علاوه بر این، شکست در تلاش هایی در جهت توسعه، ناتوانی سازمان ملل برای تداوم رشد در بسیاری از نقاط جهان، و اثرات محدود پیشرفت اقتصادی موجود در آن، در کاهش فقر و پیشرفت اجتماعی، همه، اهمیت و دشواری توسعه برای حکومت را نشان می دهد. به طور کلی، حکومت نشان دهنده آن است که از طریق آن دولت به عنوان یک نهاد با انجام اقدامات دولتی از طریق توابع، نمایندگان و مقررات خود موجب ارائه خدمات عمومی، و تعامل با بازیگران اجتماعی مختلف را برقرار می کند. (کلمن، ۲۰۰۸ انگشت، ۲۰۰۵)

حکومت برای توسعه اجزایی چون: اقتصاد دولتی با ارتقاء رشد، پاسخگویی، دسترسی همگانی، شفافیت، حمایت از رشد فقرا، تسهیل درآمد بالاتر برای همه، توانمند سازی حکومت سیاسی و مشارکت اجتماعی، در دسترس بودن کلیه خدمات، نیازمند دولت الکترونیک است. (گروه آموزشی اقتصادی و امور اجتماعی سازمان ملل متحد، ۲۰۰۷). به همین ترتیب، گزارش این گروه نشان می دهد که ارتباط بین توسعه و حاکمیت

اقتصادی و یا سیاسی از طریق حاکمیت شایسته برقرار می شود که این حاکمیت دارای چارچوب سیاستگذاری برای فقرا، مدیریت عمومی و اصلاحات خدمات دولتی، و عدم تمرکز و ارائه خدمات می باشد.

به همین ترتیب، این گزارش نشان می دهد که ارتباط بین توسعه و حاکمیت اقتصادی و یا سیاسی از طریق دولت برقرار می شود: چارچوب سیاست حامی فقرا، مدیریت عمومی و اصلاحات خدمات مدنی، و عدم تمرکز و ارائه خدمات از جمله راهکارهای آن است. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بانک جهانی نیز مواردی همچون: ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، کنترل فساد و باز بودن، مشارکت، پاسخگویی، کارایی و حساسیت به بافت محلی را به موارد بالا اضافه می کند (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۲۰۰۲). از آنجاییکه که یک حکومت مرکزی به دنبال تلاش برای دستیابی به توسعه می باشد، شرط لازم برای رسیدن به توسعه سازوکارهای موجود در یک حکومت شایسته می باشد که به ایجاد توسعه پایدار منجر شود. دست یافتن به توسعه پایدار بسیار حساس است و می تواند از طریق سازوکارهایی مانند: درگیر شدن شهروندان در فرایند توسعه پایدار SD، حصول اطمینان از چشم انداز بلند مدت بین نسلی در سیاست گذاری و تسهیل ادغام سیاست های افقی و عمودی برای اطمینان از انسجام در فرایندهای تصمیم گیری دولت اجرایی گردد. (کمپ و همکاران، ۲۰۰۵)

به طور فزاینده، فرایندهای راهبری توسط پشتیبانی فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، با پارادایم حکومت جدید در حال ظهور با توجه به پیشرفت در فناوری اطلاعات و ارتباطات، جهانی شدن و افزایش نفوذ سازمان های غیر دولتی همراه است (کلمن، ۲۰۰۸؛ انگشت، ۲۰۰۵). که منظور از تمامی آنها توزیع مجدد قدرت در سلطه دولت در میان شهروندان، با کمک مکانیسم های پیشرفته برای هماهنگی سطح دولت در سیاست و تبادل اطلاعات، و ایجاد مقررات قوی تر با توجه به تولید مشترک از کالاها و خدمات بین بازیگران دولتی و غیر عمومی، و با تکیه بر شبکه های اجتماعی برای شهروندان در جهت بیان صدای جمعی آنها می باشد.

به طور کلی، حکومت الکترونیکی (EGOV) مستلزم استفاده استراتژیک از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای پشتیبانی از فرایندهای حکومت از جمله تحول ICT فعال در روابط بین دولت و شهروندان، کسب و کارها و دیگر سلاح های دولتی می باشد. به طور خاص، EGOV کمک می کند تا ارائه خدمات عمومی بیشتر از کانال های الکترونیکی به

جای سنتی صورت گیرد، بازیگران اجتماعی مختلفی در فرآیندهای تصمیم و سیاست گذاری درگیر شوند و همچنین تولید و گردش ارتباطات رسمی در فرم های دیجیتال صورت می گیرد که موجب کاهش عدم تقارن اطلاعات در جامعه می شود. (کلمن، ۲۰۰۸)

چارچوب مفهومی:

این بخش تدریجا چارچوب مفهومی را برای EGOV4SD توسعه می دهد، در ایت قسمت EGOV (بخش ۱، ۲) از طریق SD (بخش ۲، ۲) به EGOV4SD توسعه داده می شود.

– حکومت الکترونیکی

از هر دوی دولت الکترونیک و حکومت الکترونیکی در ادبیات تعاریف متعددی ارائه شده است که هیچ کدام از آنها استاندارد قابل قبولی ندارند. برای مثال، سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه (۲۰۰۳) چهار تعریف برای دولت الکترونیک ارائه داده است: ۱) اراده خدمات اینترنت و دیگر فعالیت های مبتنی بر اینترنت توسط دولت؛ ۲) همه موارد استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) توسط دولت؛ ۳) تبدیل دولت عمومی از طریق استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)؛ و ۴) استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، به ویژه اینترنت، به عنوان یک ابزار برای رسیدن به یک دولت بهتر. همانطور که در شکل ۱ نشان داده شده است گرونلند و هورن (۲۰۰۵)، بیشتر این تعاریف یک مدل دموکراتیک از جامعه با حوزه های مرتبط با نظام سیاسی، سیستم اداری و جامعه مدنی است و چهار تعریف از دولت الکترونیک مرتبط با این حوزه ها نگاشته شده است: تعریف ۱. متعلق به تقاطع بین سیستم اداری و جامعه مدنی، تعریف ۲. متعلق به سیستم اداری، تعریف ۳. متعلق به تقاطع بین سیستم های اداری و سیاسی و بین سیستم اداری و جامعه مدنی، و تعریف ۴. متعلق به تقاطع بین هر سه حوزه می باشد.

گرونلند و هورن (۲۰۰۵) همچنین به این نکته اشاره کردند که تفاوت دولت الکترونیک و حکومت الکترونیکی در این است که دولت الکترونیک اشاره دارد به آنچه که در درون دولت اتفاق می افتد، و حکومت الکترونیک (EGOV) به همه سیستم درگیر در مدیریت جامعه اشاره دارد. با توجه به نظر داووز (۲۰۰۸)، به طور مشابه حکومت الکترونیکی شامل استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICTs) برای پشتیبانی از خدمات عمومی، اداره

دولت، فرآیندهای دموکراتیک، و روابط میان شهروندان، جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت است.

با توجه به این تمایز و مدلی که در شکل ۱ نشان داده شده است، ما تعریف خود را از حکومت الکترونیکی (EGOV) ارائه می کنیم:

حکومت الکترونیکی عبارت است از استفاده از فناوری توسط دولت برای تغییر و تحول خود و تعامل با مشتریان، به منظور تاثیر گذاری بر جامعه.

این تعریف به وضوح ۵ بعد حکومت الکترونیکی را مشخص می کند که در شکل ۱ نشان داده شده است: دولت، فناوری، تعامل، مشتریان و جامعه. بر اساس هر بعد، ما تعدادی از تعاریف عناصر را فهرست کردیم، برای مثال مأموریت، نقش، ارزش ها، عملیات، خدمات، نهادها، بازرسی و اجرا تحت بعد دولت است. این ۵ بعد برای پوشش کل فضای حکومت الکترونیکی هستند اما فهرست عناصر تحت هر بعد نامحدود است. این ابعاد و عناصر آنها از طریق ادبیات پژوهش که در قسمت بعدی مقاله توصیف می شود، اعتبار خواهند یافت.

– توسعه پایدار

بر اساس نظر کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (۱۹۸۷) ما در مورد تعریف زیر از توسعه پایدار (SD) اتفاق نظر داریم:

توسعه پایدار توسعه ای است که نیازهای زمان حاضر را بدون به خطر انداختن توانایی نسل های آینده برای رفع نیازهای خود، برآورده می کند.

بر اساس نظر کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (۱۹۸۷)، توسعه پایدار به دو موضوع تجسم می بخشد – مساوات و توزیع مجدد ثروت در درون و در میان نسل ها، و حفاظت و حمایت از محیط زیست. علاوه بر این، مفهوم پایداری به پایداری قوی و ضعیف تصفیه شده است (اندرسن، ۲۰۰۷). در حالی که پایداری قوی اجازه نمی دهد کاهش منابع طبیعی یا انواع دیگر منابع از طریق پس انداز یا سرمایه داری در سرمایه انسانی، فیزیکی یا دیگر سرمایه ها، جبران شود، پایداری ضعیف اجازه چنین جبران خسارتی را می دهد. بسیاری از نویسندگان از واژه پایداری به عنوان معادلی برای توسعه پایدار استفاده می کنند. برای مثال، الن بی (۲۰۰۶) پایداری را به این صورت تعریف می کند: یک مثال کلاسیک از ساختار فرهنگی، یک نماد، ایده، یا اصطلاح که توسط جامعه ایجاد می شود و معنا و مفهوم آن انتقال پیدا می کند.

بر اساس نظر ادجر و جردن (۲۰۰۹)، توسعه پایدار بوسیله ۵ اصل پشتیبانی می شود: (۱) به منظور کمک به کاهش فقر، (۲) برای پیگیری یکپارچه سازی سیاست زیست محیطی، (۳) برای رسیدن به عدالت درون و برون نسلی، (۴) برای اطمینان از مشارکت عمومی در تصمیم گیری و (۵) برای رسیدگی به محدودیت های فناوری و زیست محیطی رشد. در پی این اصول، اهداف توسعه پایدار شامل یافتن راه حل برای مشکلات جهانی موثر بر پایداری است. برای درک پیچیدگی های مسائل توسعه پایدار، مدل های مختلفی تهیه شده است. برای مثال:

سه رکن مدل توسعه پایدار سه بعد پایداری را در نظر می گیرد: رشد اقتصادی، حفاظت از محیط زیست و پیشرفت اجتماعی (اتحادیه حفاظت جهانی، ۲۰۰۶)

مدل توسعه پایدار موجودی سرمایه رافرموله بندی می کند که موجودی SD، مجموع موجودی سرمایه ی محیط، اقتصاد و جامعه است (کاینر، ۲۰۰۵).

منشور مدل توسعه پایدار اهداف چهار بعدی پایداری را به این صورت تعریف می کند:

(۱) اجتماعی - نمایش سرمایه انسانی و با هدف تقویت انسجام اجتماعی و عدالت،

(۲) زیست محیطی - به تصویر کشیدن سرمایه طبیعی و با هدف صیانت از محیط زیست،

(۳) اقتصادی - نمایش سرمایه ساخت بشر و با هدف ارضای نیازهای مادی و، (۴) نهادی یا سازمانی - به تصویر کشیدن سرمایه اجتماعی و بهبود مشارکت و تصمیم گیری مشارکتی (والنتین و اسپنگنبرگ، ۱۹۹۹).

منشور اصلی مدل توسعه پایدار یک تغییر و تنوع منشور مدل پایداری با چهار بعد است:

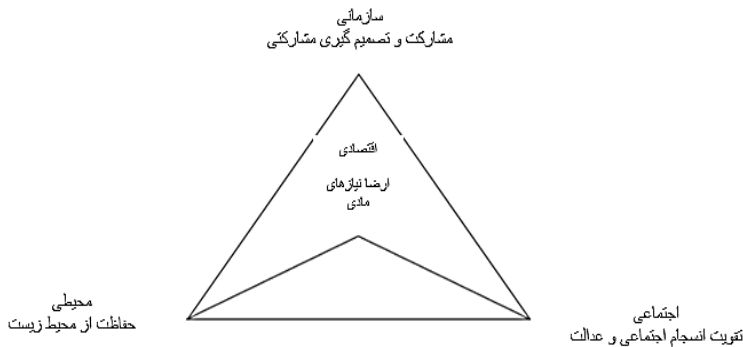
(۱) طبیعت - اشاره دارد به بعد محیط زیست و کل سرمایه طبیعی، شامل سرمایه ی تجدید پذیر و منابع تجدید ناپذیر؛

(۲) مصنوعی - اشاره به بعد اقتصادی و کل دارایی های ساخت بشر مثل جاده ها، ساختمان ها، بنادر و غیره دارد؛

(۳) نهاد - اشاره دارد به بعد سازمانی و سازماندهی جامعه و روابط بین مردم را نشان می دهد؛

(۴) ذهن - اشاره دارد به بعد اجتماعی و آگاهی فردی مثل جهان بینی، دانش و تجربه (کین، ۲۰۰۱).

پایه و اساس مدل پایداری بر این اصل قرار دارد که جامعه پایدار است اگر مردم و اکو سیستم هر دو در شرایط خوبی قرار داشته باشند. هدف این مدل نشان دادن روابط بین هر دو عنصر، که مردم درون اکو سیستم و وابسته به یکدیگر است (کاینر، ۲۰۰۵). در شکل ۲ منشور مدل پایداری نشان داده شده است.



شکل 2. منشور مدل پایداری (وانتین و اسپتنگبرگ، 1999).

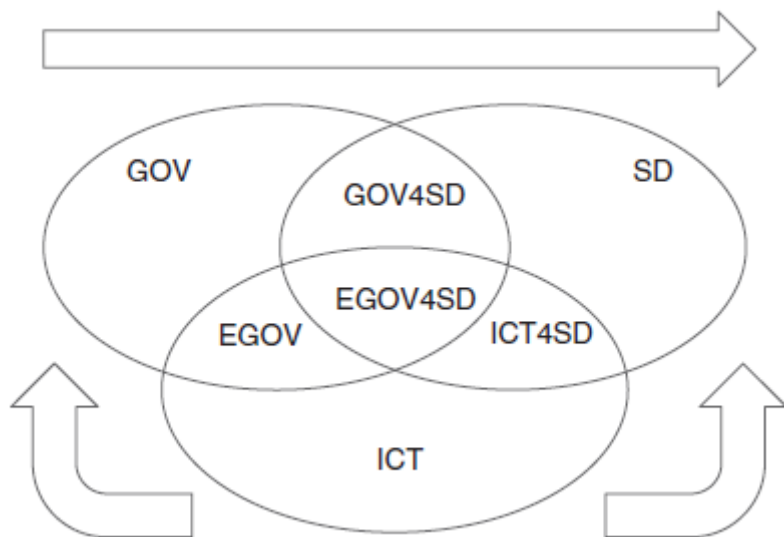
– حکومت الکترونیکی و توسعه پایدار

بوسیله حکومت الکترونیکی برای توسعه پایدار (EGOV4SD) ما به حکومت ICT فعال از گذاربه سوی توسعه پایدار اشاره می کنیم. بر اساس تعاریف حکومت الکترونیک که توسط داوز (۲۰۰۸) ارائه شده و همچنین تعاریف ارائه شده توسط کمیسیون محیط زیست و توسعه (۱۹۸۷) از توسعه پایدار، ما همچنین تعریف جامع زیر را از EGOV4SD پیشنهاد می کنیم:

EGOV4SD عبارت است از استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای پشتیبانی از خدمات عمومی، مدیریت عمومی، و تعامل بین دولت و جامعه، در حالی که ایجاد مشارکت احتمالی مردم در تصمیم گیری دولت و توسعه اجتماعی و اقتصادی را بهبود می دهد، و از منابع طبیعی برای نسل های آینده محافظت می کند.

شکل ۳ نقشه سه حوزه اولیه و سه حوزه ثانویه که منجر به EGOV4SD می شوند را نشان می دهد. حوزه های اولیه عبارتند از: حکومت (GOV)، توسعه پایدار (SD)، فناوری

اطلاعات و ارتباطات (ICT). حوزه های ثانویه از تقاطع هر دو حوزه شکل می گیرند: حکومت الکترونیک (EGOV) از تقاطع حکومت و فناوری اطلاعات و ارتباطات شکل می گیرد، فناوری اطلاعات و ارتباطات برای توسعه پایدار (ICT4SD) تقاطع فناوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه پایدار است، و حکومت برای توسعه پایدار (GOV4SD) تقاطع حکومت و توسعه پایدار است. روابط بین حوزه ها عموماً نامتقارن است به این معنا که یک حوزه (حوزه خدمات) به برآوره کردن اهداف حوزه دیگر (حوزه مشتری) کمک می کند. توسعه پایدار همیشه در هر روابطی حوزه مشتری است، فناوری اطلاعات و ارتباطات همیشه حوزه خدمات است، در حالی که حکومت در رابطه با فناوری اطلاعات و ارتباطات حوزه مشتری است و در رابطه با توسعه پایدار حوزه خدمات است.



شکل ۳- حوزه های اولیه و ثانویه EGOV4SD و روابط آنها

روش تحقیق:

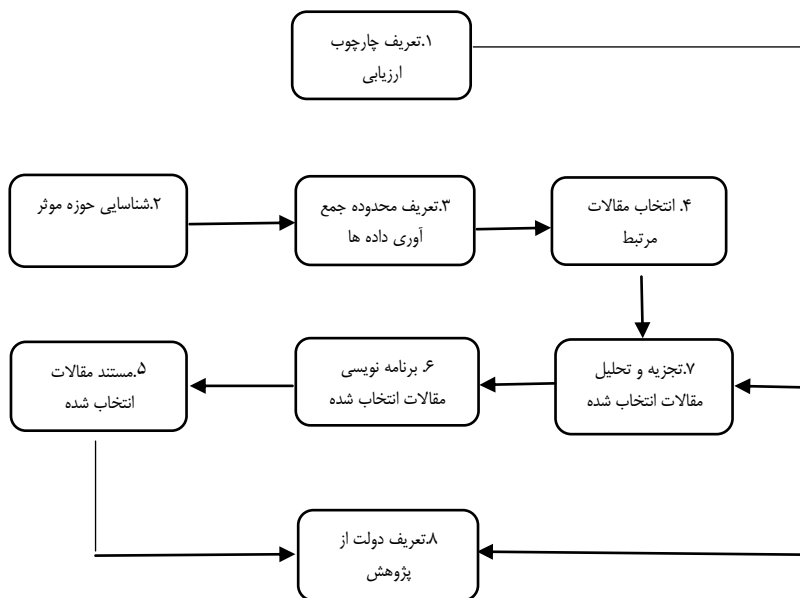
در این بخش روش بررسی جامع ادبیات که برای انجام پژوهش EGOV4SD استفاده شده است، شرح داده می شود. روش شامل هشت مرحله نشان داده شده در شکل ۴ است:

- (۱) تعریف چارچوب ارزیابی
- (۲) شناسایی حوزه مؤثر

- (۳) تعریف محدوده جمع آوری داده ها
- (۴) انتخاب مقالات مرتبط
- (۵) مستند مقالات انتخاب شده
- (۶) برنامه نویسی مقالات انتخاب شده
- (۷) تجزیه و تحلیل مقالات انتخاب شده
- (۸) تعریف دولت از پژوهش.

در مرحله ۱ دقت چارچوب پژوهش در حوزه ارزیابی می باشد، مراحل ۲ تا ۴ دقت در حوزه جمع آوری داده ها است، در مراحل ۵ تا ۷ دقت بر روی تجزیه و تحلیل داده و در مرحله ۸ سنتز یافته ها اهمیت بسزایی دارد.

شکل ۴- روش تحقیق پژوهش



چارچوب ارزیابی پژوهش:

به منظور پیشرفت در یک منطقه تحقیق جدید مانند حکومت الکترونیکی برای توسعه پایدار (EGOV4SD)، نیاز به ساخت یک درک خوبی از مفاهیم اساسی و ارزیابی دولت در این حوزه و بخش های درمجاورت آن وجود دارد. به منظور تحقق این نیاز، این مقاله چارچوبی مفهومی برای طراحی و ارزیابی EGOV4SD پیشنهاد می کند.

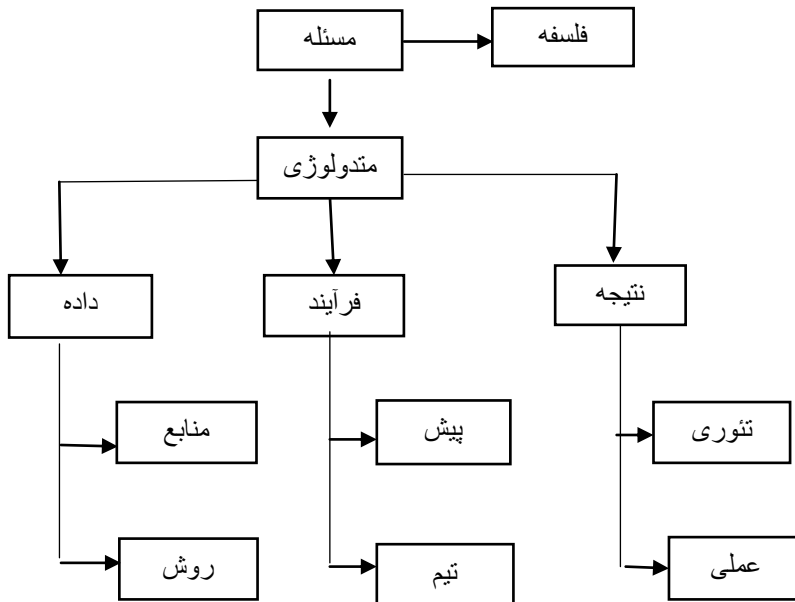
چارچوب پیشنهادی در این مقاله برای انجام ارزیابی پژوهش EGOV4SD در شکل نشان داده شده. مشکل، فلسفه، روش، داده ها، روند و نتایج هستند که در زیر توضیح داده شده است؛ چارچوب بر شش سازه اصلی بنا شده است.

ساختار مشکل برای تصویر برداری از نوع مشکلات مورد مطالعه در پژوهش EGOV4SD داده می شود، تا چه حد مشکل مورد خطاب قرار EGOV و دیدگاه های SD و ابعاد آن آدرس. با توجه به چارچوبهای مفهومی از بخش ۲، دیدگاه EGOV شامل دولت، تکنولوژی، تعاملات، مشتریان و ابعاد جامعه، در حالی که چشم انداز SD شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و سازمانی.

ساختار فلسفه تعیین می کند که چه نوع فلسفه برای پژوهش EGOV4SD پی ریزی می شود. ممکن است از، فلسفه تفسیری یا انتقادی در این دست پژوهش های علوم اجتماعی استفاده شود (نیومن، ۲۰۱۱). پژوهش حاضر با هدف کشف قوانین عام رفتار انسان بر اساس واقعیت، تدوین و فرموله روابط علت و معلول به دست آمده است. با توجه به فلسفه تفسیری، پژوهش حاضر با هدف درک معنای اجتماعی در یک زمینه داده شده توسط مطالعه رفتارهای اجتماعی معنی دار، تفسیر معنای ذهنی صورت می گیرد با توجه به فلسفه انتقادی، پژوهش حاضر با هدف به چالش کشیدن مفروضات، به معرفی تغییرات در جهان اجتماعی می پردازد. نگرش به فلسفه پژوهش بستگی به محقق پژوهش دارد.

ساختار داده ها رویکرد جمع آوری داده ها را تعیین می کند. این شامل منابع اولیه داده اطلاعات به دست آمده از طریق تجربه دست اول و یا داده های ثانویه به دست آمده از نهادهای دیگر می باشد.

ساختار فرآیند تعیین کننده چگونگی (زمینه) و تیم پژوهش می باشد. نتایج سازه شامل سهمی از پژوهش های تئوری و عمل می باشد.



شکل ۵- چارچوب ارزیابی تحقیقات EGOV4SD

بحث و نتیجه گیری :

مشکلات پژوهشی EGOV4SD عمدتاً در حوزه های مختلف مورد مطالعه قرار گرفت. به عنوان مثال، این مشکلات می تواند از طراحی خدمات عمومی بر اساس نیازهای مشتری و یا مشکل مشارکت شهروندان، که هر دو مورد مطالعه در حوزه EGOV می باشند، پدیدار شوند، یا با مشکلات توسعه جوامع در حال رشد، در حوزه SD روبرو شوند. به منظور تدوین و فرموله کردن مشکلات پژوهش EGOV4SD، می توان با چشم انداز تک رشته ای به آن نگریست. به عنوان مثال می توان در ابتدا بابررسی مشکلات مربوط به

EGOV، مشکل را از طریق استفاده از ابزارهای تخصصی و اصول SD آن را پی گیری و حل نمود. مانند، تبدیل مشکل طراحی خدمات عمومی بر اساس نیاز مشتری در حوزه EGOV را با پرداختن به چنین خدمات به گروه های آسیب پذیر به یک مسئله در حوزه EGOV4SD تبدیل کرد. تبدیل مشکل مشارکت ذینفعان در حوزه EGOV به مشکل دستیابی به گروه های اقلیت در حوزه EGOV4SD. و یا تبدیل مشکل توسعه پایدار جوامع در حوزه SD به مسئله حمایت از چنین جوامعی از طریق برنامه ریزی مشارکتی حکومت در حوزه EGOV4SD قرار می گیرد. یافته نشان می دهد که فلسفه انتقادی به ندرت در تحقیقات EGOV4SD استفاده می شود. یافته ها حاکی از آن است که تحقیقات EGOV4SD دنبال یک رویکرد چند رشته ای روشن است. برای این منظور، با وجود تاثیر بسیاری از رشته های مرتبط به EGOV4SD و بررسی آنها در پژوهش های حاضر، نیاز روشن برای تقویت مبانی نظری این حوزه وجود دارد. چارچوب ارزیابی پژوهش ارائه شده در بخش قبل، نتیجه یافته هایی از مطالعات تئوریک و عملی می باشد.

در نهایت، علاوه بر تعیین وضعیت پژوهش EGOV4SD، استفاده از چارچوب ارزیابی پژوهش از بخش ۴ به اعتبار چارچوب مفهومی از بخش ۲ کمک می کند. همه ابعاد EGOV ارائه شده در جدول ۱ و تمام ابعاد SD ارائه شده در شکل ۲ از طریق مشکلات مختلف پژوهش EGOV4SD سنجش گردید، و در بخش ارزیابی مورد توجه قرار گرفت. مطالعات آینده می تواند شامل توسعه یک برنامه پژوهشی برای پیشبرد دولت در تحقیقات EGOV4SD شکل بگیرد، همانطور که در این مقاله به آن پرداخته شد. کاوش مشکلات پژوهشی در تقاطع دو بعد EGOV و SD به عنوان پایه ای برای تحقیقات میان رشته ای EGOV4SD قرار می گیرد. و با استفاده از چارچوب ارزیابی با سایر حوزه هانیز می تواند ترکیب شود، به عنوان مثال EGOV و آموزش و پرورش. سهم اصلی این مقاله در جهت ساخت درک خوبی از ماهیت دولت از دامنه پژوهش EGOV4SD است، و به ایجاد یک پایه برای تحقیق EGOV4SD می پردازد. این مقاله در پی نشان دادن این است که با وجود علاقه رو به رشد در زمینه EGOV و پژوهش های SD و یک پتانسیل قوی برای استفاده از تحقیقات EGOV در جهت رسیدن به اهداف SD، تحقیق در تقاطع هر دو حوزه کمیاب می باشد. و پیشنهاد می شود که تحقیقات آتی با توجه به مطالعات میان رشته ای صورت پذیرد تا ارزیابی های دقیق تری در آنها پدیدار شود.

منابع:

- Adebayo, M. A., & Oni, A. O. (2011). Neighbourhood effects of sustainable industrial land use on property values: Case study of Agbara, Ogun State, Nigeria. *Journal of Sustainable Development*, 4(6), 230–238.
- Aluko, O. (2011). Sustainable housing development and functionality of planning laws in Nigeria: The Case of Cosmopolitan Lagos. *Journal of Sustainable Development*, 4(5), 139–150.
- Bertot, J. C., Jaeger, P. T., & Hansen, D. (2012). The impact of polices on government social media usage: Issues, challenges, and recommendations. *Government Information Quarterly*, 29(1), 30–40.
- Booth, A., & Skelton, N. (2011). Anatomy of a failed sustainability initiative: Government and community resistance to sustainable landscaping in a Canadian City. *Sustainability: Science, Practice, Policy*, 7(1), 56–68.
- Coleman, S. (2008). Foundation of digital government. In H. Chen, L. Brandt, V. Gregg, R. Traunmüller, S. Dawes, E. Hovy, & A. Macintosh (Eds.), *Digital government. Integrated.* (pp. 3–19). Springer.
- Chandran, R., Krishnan, P., & Nguyen, K. (2011). Wildlife Enforcement Monitoring System (WEMS): A solution to support compliance of multilateral environmental agreements. *Government Information Quarterly*, 28(2), 231–238.
- Cunliffe, D. (2011). Welsh-language provision on party websites during the 2010 UK general election. *Information Polity*, 16, 151–170.
- Dolan, G. (2011). A foundation for developing a coastal sustainability program in the Houston-Galveston Region. *Sustainability: The Journal of Record*, 4(6), 293–296.

- Estevez, E., & Janowski, T. (2012). e-Macao Report 202 — Electronic Governance for Sustainable Development — State of Research — 04.05.2012 (pp. 1–138).
- Ezebilo, E. E. (2011). Economic valuation of private sector waste management services. *Journal of Sustainable Development*, 4(4), 38–46.
- Faehnle, M., Bäcklund, P., & Tyrväinen, L. (2011). Looking for the role of nature experiences in planning and decision making: A perspective from the Helsinki Metropolitan area. *Sustainability: Science, Practice, Policy*, 7(1), 45–55.
- Ferro, E., Helbig, N. C., & Gil-Garcia, J. R. (2011). The role of IT literacy in defining digital divide policy needs. *Government Information Quarterly*, 28(1), 3–10.
- Hale, K., & McNeal, R. (2011). Technology, politics, and e-Commerce: Internet sales tax and interstate cooperation. *Government Information Quarterly*, 28(2), 262–270.
- Heeks, R., & Bailur, S. (2007). Analyzing e-Government research: Perspectives, philosophies, theories, methods, and practice. *Government Information Quarterly*, 24(2), 243–265.
- Janowski, T., Ojo, A., & Estevez, E. (2010). UNU-IIST electronic governance for sustainable development programme — Strategic plan 2011–2014 (pp. 14).
- Jayakar, K., & Park, E. -A. (2012). Funding public computing centers: Balancing broadband availability and expected demand. *Government Information Quarterly*, 29(1), 50–59.
- Kain, J. -H. (2001). SoTek — sociotechnical knowledge: A toolbox for sustainable urban development. Poster for the conference of knowledge and learning, June 12–14.
- Keiner, M. (2005). History, definition(s) and models of “sustainable development.”

- Kemp, R., Parto, S., & Gibson, R. (2005). Governance for sustainable development: Moving from theory to practice. *Alternatives Journal*, 8, 12–30.
- Kosamu, I. B. M. (2010). Environmental impact assessment application in infrastructural projects in Malawi. *Sustainability Science*, 6(1), 51–57.
- Kvasny, L., & Lee, R. (2011). e-Government services for faith-based organizations: Bridging the organizational divide. *Government Information Quarterly*, 28(1), 66–73.
- Lawal, P. O. (2011). Effects of sand/gravel mining in Minna emirate area of Nigeria on stakeholders. *Sustainable Development*, 4(1), 193–199.
- Lempert, D., & Nguyen, H. (2011). The global prisoners ' dilemma of unsustainability: Why sustainable development cannot be achieved without resource security and eliminating the legacies of colonialism. *Sustainability: Science, Practice and Policy*, 7(1), 16–30.
- Liu, C. (2012). The myth of informatization in rural areas: The case of China's Sichuan Province. *Government Information Quarterly*, 29(1), 85–97.
- Neuman, W. L. (2011). *Social research methods: Qualitative and quantitative approaches*. Pearson Education.
- Scheel, C., & Vazquez, M. (2011). The role of innovation and technology in industrial ecology systems for the sustainable development of emerging regions. *Journal of Sustainable Development*, 4(6), 197–210.
- The United Nations Programme of Action from Rio (1992). *Earth summit agenda 21*. Agenda 21. Retrieved from http://www.un.org/esa/dsd/agenda21/res_agenda21_00.shtml
- United Nations Department for Economic and Social Affairs (2007). *Governance for the millenium*

development: Core issues and good practices. Building (pp. 90). Retrieved from <http://unpan1.un.org/intradoc/groups/public/documents/un/unpan02510.pdf>

- Zelenika, I., & Pearce, J. M. (2011). Barriers to appropriate technology growth in sustainable development. *Journal of Sustainable Development*, 4(6), 12–22.